

بلاهای نسبی و مطلق!

✧ حقایق «نسبی»، رابا «مطلق» نباید اشتباه کرد

✧ هر کس نقش خویشتن ببندد در آب!

✧ راه درست اندیشیدن

گفتگوی ما در پاسخ ایراد چهارم مادیهها (بی‌نظمیها، آفات و بلاها برای چیست؟) بطول انجامید، ولی نباید فراموش کرد که این موضوع لغزشگاه مهمی برای بسیاری از مادیهها محسوب میشود و بهمین دلیل نباید باین زودی از آن صرف‌نظر کرد.

تاکنون بحثهای زیادی در این باره کرده‌ایم و نقاط تاریک این بحث تا حدود زیادی روشن شده است، اکنون ببحث تازه‌ای که در این شماره دنبال میشود توجه فرمائید:

البته اگر از دریچه مطالعات سطحی و معمولی بحوادثی از قبیل طوفانها و زلزله‌ها و... نگاه کنیم قیافه‌های ناراحت‌کننده و هولناک و تنفر آمیزی دارند، و بقول «روزنامه‌نویسها» مظهر «خشم طبیعت» و «قهر طبیعت» هستند، اما اگر مطالعات دقیقتری در این باره کرده‌واز قضاوت‌های عجولانه بپرهیزیم نتیجه طوردیگری خواهد بود.

حقایق «مطلق»، رابا «نسبی»، نباید اشتباه کرد

مطالعات مادر باره سود و زیان حوادث و موجودات این جهان همواره «نسبی» است، یعنی مقیاس سنجش را در این مطالعات وضع خود و کسانی که سرنوشت آنها با ما ارتباط نزدیک دارد قرار میدهیم، آنچه بسود ماست خوب و مفید و آنچه بزبان ماست بد و مضر میدانیم. ماهرکز حساب نمی‌کنیم که فلان حادثه که در سرنوشت ما اثر بدهی گذاشته درصد سال آینده چه آثاری ببار خواهد آورد.

یک ماده شیمیائی مخصوص ممکن است از نظر ما «سم مهلک» باشد زیرا اثر سومی روی دستگاههای مختلف بدن ما میگذارد، ولی چه بسا همین ماده برای جاندار دیگری «داروی

حیات بخش، باشد، و بعکس ماده دیگری که داروی حیات بخش ماست چه بسا نسبت بدیگری هم مهلك محسوب شود.

ولی آیاتنها سودوزیان ما میتواند ملاك خوب و بد بودن يك موجود یا يك حادثه باشد؟ یا اینکه برای يك قضاوت کلی و نهائی باید مجموعه تأثیرات این حادثه را در تمام موارد در نظر بگیریم و رویه هر فتنه مورد مطالعه قرار دهیم.

خلاصه اینکه «مطالعات نسبی» که در چهارچوبه شرائط و موضوعات خاصی صورت میگیرد هرگز نمیتواند ملاك «قضاوت مطلق» گردد و اشتباهاتی که از این راه ممکن است دامنگیر ما گردد بسیار مهم و غیر قابل گذشت است.

برای روشن شدن این حقیقت ذکر چند مثال لازم بنظر میرسد.



هر گس نقش خویشتم بیند در آب!

❖ فروردین ماه است، آبهای ضخیمی صفحه آسمان نیلگون را پوشانده و رگبارهای متناوبی بر کوه و صحرا میریزد، زمینهای تشنه آبیاری شده و کلبه‌ها و گیاهان نوحاسته طراوات و زیبایی خاصی بخود میگیرند، نسیم روح افزائی که بارطوبت ملایمی آمیخته عطر گلها را بهر سو پراکنده می کند و بجهان طبیعت شکوه بیبائی غیر قابل توصیفی میبخشد، راستی چه زیبا و دل انگیز است؟ ... چی نعمتی؟ چه سعادت؟ ... این از نظر ما.

لانه مورچه یا آشیانه مرغی زیر رگبار خراب میشود، عده‌ای از مورچه‌ها زیر آوار می‌مانند، انبار آذوقه لانه ویران شده و تمام راهروها و کریدورها را آب فرا گرفته و آذوقه‌ای که یکسال برای جمع آوری آن وقت لازم است تمام خیس شده است، همه چیز روی آب یا زیر آوار مانده، تخم‌هایی که نسل آینده لانه را تشکیل میدهند همه فاسد شده است، نوزادان ضعیف و ناتوانی که زیر آوار نرفته‌اند همه بیمار شده و سخت ناراحتند! چه بلائی؟ چه مصیبتی؟ چه حادثه جانگاز و مولمی؟ ... اینهم از نظر مورچه‌ها!

❖ نسیمی از سواحل دریای عظیم هندوستان حرکت کرده و مقدار زیادی بخار آب را با خود برداشته و هوای منطقه‌های ساحلی را بصورت خفقان آوری مملو از بخار آب کرده است. مردم ناراحتند و هوا خفقان آور.

نسیم بجزریان خود ادامه میدهد و بنقاط خشک و سوزان بیابانها میرسد،

درختان تشنه را روح تازه می‌بخشد و گرمای هوا را تعدیل می‌کند. مردم آن سامان

خوشحال و مسرورند .

نسیم تندتر شده و بازبسیر خود ادامه میدهد، در منطقه‌های دورتر ابرها را بحرکت درآورده هوا بشدت سرد میشود و رعد و برقها ظاهر میگردد و بارندگی نافی دريك منطقه وسیع به موقع صورت می گیرد. کشاورزان و دهقانان همگی از این نعمت بزرگ الهی خوشوقتند . روزنامه‌ها بعنوان يك خبر مسرت بخش در صفحات اول خود از آن یاد می کنند .

این «باد» بسیر خود ادامه داده و شدت پیدا میکند و در يك نقشه باوج شدت خود میرسد و بدهکده‌ای حمله ور شده چندین خانه را خراب می کند، چند درخت کهنسال ده را شکسته و آسیب قابل توجهی ببعضی از مزارع آنها میرساند. مردم ده همه از این بلا ناگهانی پریشان و مضطربند و در مجالس و محافل روستائیان گفتگو درباره این عذاب است. روزنامه نویسهای شهرستانهای نزدیک رپورتاژ مفصلی درباره این طوفان سهمگین منتشر ساخته و چاشنی مقالات خود را کلماتی از قبیل «خشم طبیعت» و «قهر طبیعت» و مانند آن قرار داده اند! این طوفان همچنان بسیر خود ادامه داده و از شدت آن کاسته میشود بصورت بادهای سریع و سودمند درآمده و سپس ملایمتر شده و نسیم روح افزایی میگردد و آثار مفیدی از خود در مناطق دیگر بجای میگذارد.

حالا اگر از مردم هر يك از این مناطق مختلف سؤال کنیم درباره این جریان بکثرت قضاوت می کنند، بعضی بطور مطلق آنرا «بلا» و بعضی آنرا يك «نعمت بزرگ» میدانند و لی آنها اشتباه می کنند و قضاوت آنها مطلق نیست بلکه نسبی است زیرا مقیاس سنجش را سود و زیان خود و منطقه سکونت خود قرار داده اند .

البته اگر این نکته را نیز در نظر بگیریم که هر حادثه‌ای که امروز بوقوع می پونند بطور قطع معلول يك سلسله علل بی نهایت قبلی، و علت يك رشته طولانی معلولهای آینده است، زیرا حوادث زیادی پیش از این رخ داده تا این حادثه بوجود آمده، و این حادثه نیز بنوبه خود سررشته يك سلسله آثار در زمانهای آینده است، یاد در نظر گرفتن این نکته روشن میشود که این حادثه نه تنها از نظر مکانها و مناطق مختلف آثار کونا کونی دارد بلکه در طول زمانهای گذشته و حال و آینده نیز آثار مختلفی خواهد داشت، منتها مردم هر زمان خوب و بد و سود و زیان آنرا از دریچه منافع خود مینگرند، لذا عده‌ای آنرا نعمت و عده دیگری آنرا بلا میدانند .

راه درست اندیشیدن

بنابراین اگر بخواهیم سطحی فکر کنیم باید فوراً مناسبات هر حادثه‌ای را با منافع خود در نظر گرفته و یک قضاوت قطعی درباره آن بکنیم، اما اگر بخواهیم بعنوان یک فیلسوف و متفکر، قضاوت صحیح و همه‌جانبه‌ای کنیم باید تمام آثار این حادثه را در طول تاریخ گذشته و آینده و همچنین نسبت به مکانها و موجودات مختلف در نظر بگیریم، اگر چنین چیزی برای ما ممکن بود رویه مرفته زیان آن حادثه در مجموعه سازمان جهان هستی (نسبت به همه جا و همه وقت) از منافع آن بیشتر بود بآن عنوان «بلاء» و «حادثه زیان بخش» و امثال آن بدهیم، و اگر چنین قدرتی را نداشتیم که یک مطالعه همه‌جانبه کنیم باید از قضاوت قطعی و مطلق بطور کلی خودداری نمائیم. ماهر کز حق نداریم بادر نظر گرفتن آثار آن در یک منطقه معین یا یک زمان خاص چنین عنوانی بآن بدهیم.

بادر نظر گرفتن اینکه احاطه بر آثار همه جانبه یک حادثه در طول و عرض زمان و مکان، برای انسان معمولاً ممکن نیست چگونه میتواند در مورد اینگونه حوادث که باشکال و آثار مختلفی جلوه میکند قضاوت مطلق نماید؟

✽ بعضی از بیماریهاست که انسان در دروان عمر خود یک مرتبه بآن مبتلا میشود ولی اثر آن اینست که برای همیشه یک حالت مصونیت در مقابل آن بیماری یا بیماریهای مشابه ایجاد می‌کند، اگر ما آن بیماری را در همان لحظه ابتلاء مورد مطالعه قرار دهیم باید بگوئیم ناراحتی و عذاب است، اما اگر آثار آنرا در تمام عمر در نظر بگیریم باید آنرا یکی از نعمتها بدانیم.

✽ در زندگی اجتماعی بحرانهایی پیش می‌آید که سرچشمه انقلابات و تحولاتی در آینده میشود، همین بحرانهاست که افراد را وادار می‌کند برای رسیدن بوضع بهتری مبارزه دامنه‌داری کنند، اگر آن بحران را در همان لحظه در نظر بگیریم البته بلاست اما اگر آثار آنرا در آینده نیز بآن ضمیمه کنیم نعمت است و موهبت.

خلاصه باری دیگر تأکید می‌کنیم که باید جداً مراقب این نکته بود که ما همواره در مطالعات روزانه (بعلمت حوائج و نیازمندیهای زندگی) نسبی فکر می‌کنیم و از آن نتیجه مطلق می‌گیریم، البته این اشتباه در مطالعات روزانه شاید چندان تأثیر نداشته باشد ولی در مطالعات علمی فلسفی ما را با اشتباهات بزرگتری میاندازد و چه بسا همین روش فکری ما را برای یک عمر از درک حقایق مهمی بازدارد، با توجه باین حقیقت بسیاری از مشکلات بحث ما حل میشود.